

چرا بعضیها آخرت را قبول ندارند؟



از نظر قرآن علت عدم اعتقاد به معاد چند چیز است: یکی شبهه علمی است و دیگری شهوت عملی؛ شبهه علمی آن است که چگونه خداوند اجزای پراکنده را دوباره جمع می‌کند و به آنها حیات می‌بخشد. انسان وقتی مرد ذرات بدنش در سرتاسر زمین پراکنده و گم خواهد شد: "و كانوا يقولون إذا متنا و كُتِّا تراباً و عظاماً ءإنا لمبعوثون * أو اباؤنا الأولون"(1). خداوند در پاسخ چنین شبهه‌ای می‌فرماید: ما به این کار توانمندیم نه تنها استخوان‌ها (عظام) را که قسمت مهم بدن را تشکیل می‌دهد برمی‌گردانیم، بلکه خطوط ظریف سرانگشتان را نیز به حالت اول باز می‌گردانیم. خدایی که اولین بار آنان را آفرید خلقت دوباره آنها برای او سهل است: "بلی قادرین علی أن نُسوِّیَ بَنَانَهُ"(2)؛ اینان می‌پندارند ما دیگر بار استخوان‌های پوسیده‌ی آنان را جمع نمی‌کنیم، آری ما قادریم حتی سر انگشت آنان را با همه ویژگی‌هایش دوباره درست کنیم. شهوت عملی آن است که اندوخته‌های علمی را نادیده انگارد و با علم به حقانیت معاد و قیامت عملاً دست به شهوت‌رانی و هواپرستی بزند و از مصادیق "أفریت من اتخذ إلهه هواه و أضلَّهُ اللهُ علی علم"(3) باشد. وقتی شهوت جلو علم را گرفت بسان دانشی می‌ماند که در متون کتاب‌ها مدفون است. چنین دانشی، نجات دهنده شخص نخواهد بود. قرآن نیز چنین انسان‌هایی را روی‌گردان از هدایت می‌داند. سرنوشت چنین انسان‌هایی را شیطان رقم می‌زند؛ یعنی کسانی که متاع آخرت را به کالای فرسوده‌ی چند روزه‌ی دنیا کم ارزش فروختند: "أولئك الذين اشتروا الآخرة بالآخرة"(4) و کسانی که هدایت را به گمراهی معامله کردند: "أولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى فما ربحت تجارتهم و ما كانوا مهتدین"(5)؛ ایشان گمراهی را به جای راه راست خریدند. البته چنین تجارتي سود نخواهد کرد. خدای سبحان در عین آن که بخشنده، رؤوف، مهربان، بخشایشگر و پرورش دهنده جهانیان است مالکیت آنان را نیز برعهده دارد: "الحمد لله رب العالمین * الرَّحْمَن الرَّحِيم * مالك يوم الدين"(6) و کسی نخواهد توانست از تحت مالکیت او خارج شود. او از همه اشخاص حساب رسی می‌کند. او می‌خواهد انسان‌ها بین خوف و رجا باشند. بیم و امید است که انسان را شکوفا می‌سازد، پرورش نیکو می‌دهد و نخل او را به ثمر می‌نشانند. از این رو گاهی تشویق و ترحیب و گاهی ترهیب و تخویف می‌کند: "أمن هو قانت آناء البیل ساجداً و قائماً یحذُرُ الآخرة و یرجو رحمة ربّه"(7)؛ آیا کسی که شب را به طاعت خدا به سجود و قیام می‌پردازد و از پایان کار خود ترسان و به رحمت الهی امیدوار است با آن کس که به کفر مشغول است یکسان است؟ هرگز یکسان نیست. تنها خردمندان متذکر این مطلبند: "إِنَّمَا یَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَاب"(8). انسان هرگز نمی‌تواند بدون مراقبت دقیق در اعمال، به پایان کار خویش امیدوار باشد؛ زیرا اگر مراقب آنها نباشد، چه بسا در لحظاتی از عمر ایمان وی تباہ گردد و چه بسا بر اثر بیداری و هشیاری در لحظاتی از آن بتواند همه‌ی لغزش‌های احتمالی خود را ترمیم کند. پس باید به عاقبت کار خویش بیندیشد و به رحمت او هم امیدوار باشد. به ویژه اخلاص در عمل، انسان را نجات می‌دهد؛ زیرا اخلاص اکسیر اعظم است، حتی دشمن قسم خورده‌ی انسان، یعنی شیطان برای اخلاص و رزان حساب ویژه باز کرده و آنان را از جرگه گمراهان و فریب خوردگان بیرون برده است: "قال فبِعزَّتِكَ لأَعُوْبُهُمْ أجمعین * إلا عبادك منهم المخلصین"(9)؛ به عزت و جلال تو سوگند که همه‌ی خلق را گمراه خواهیم کرد، مگر خاصان از بندگانت که دل از غیر بریدند و برای تو خالص شدند.

شیطان غیر مخلصین را می‌تواند در حزب و دسته خود قرار دهد: "استجود علیهم الشَّیْطَانُ فَأَنسَهُمْ ذِکْرَ اللهِ أولئك حزب الشَّیْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّیْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ"(10)؛ شیطان بر دل آنان سخت احاطه کرده و فکر و ذکر خدا را به کلی از دلشان برده است. آنان حزب شیطانند. ای مردم آگاه باشید که حزب شیطان به حقیقت زیانکاران جهانند. نتیجه این که، شیطان نخست درباره معاد شبهه علمی ایجاد می‌کند، بعد، آن را صورت برهان می‌بخشد و پس از تثبیت آن، در عمل وسوسه و اخلاص می‌کند و به تدریج انسان را به شهوت‌های عملی می‌کشاند. وی برنامه گمراه کننده‌ی خود را چنین اعلام داشته است: "و قال لأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِیباً مَفْرُوضاً * و لأُضِلَّهُمْ و لأُمْتِیْتَهُمْ و لأَمْرُهُمْ فلیُتَّيَكَّنْ أذان الأنعام و لأمرُهُمْ فلیُغَيِّرَنَّ خلق الله و من یتَّخِذِ الشَّیْطَانَ وَلِیّاً من دون الله فقد خسر خسراناً مبیناً * یَعِدُهُمْ و یمتیتهم و ما یعدُهُم الشَّیْطَانُ إلا غروراً * أولئك ماؤیهم جهنم و لا یجدون عنها مَحِیصاً"(11).

شیطان به خدا گفت: من بخشی از بندگان تو را زیر بار طاعت خود کشیده سخت گمراه می‌کنم. آنان را به آرزوهای دور و دراز درافکنم و به آنان دستور دهم تا گوش حیوانات ببرند، و امر کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند، کتاب و احکام خدا را به دلخواه خود تأویل و تبدیل کنند، و هر کس که شیطان را دوست دارد، و او را سرپرست خود قرار دهد نه خدای خود را، سخت زیان کرده است؛ زبانی که بر هر خردمندی کاملاً آشکار است. شیطان انسان را بسیار وعده دهد و آرزومند و امیدوار کند، ولی وعده و نوید شیطان به جز غرور و فریب خلق نیست. جهنم منزلگاه شیطان و پیروان اوست و از آن گریز گاهی نخواهند یافت. 12

پی نوشت ها:

- 1- سوره‌ی واقعه، آیات 47 - 48.
- 2- سوره‌ی قیامت، آیه‌ی 4.
- 3- سوره‌ی جاثیه، آیه‌ی 23
- 4- سوره‌ی بقره، آیه‌ی 86.
- 5- سوره‌ی بقره، آیه‌ی 16.
- 6- سوره‌ی حمد، آیات 2 - 4.
- 7- سوره‌ی زمر، آیه‌ی 9.
- 8- سوره‌ی زمر، آیه‌ی 9؛ سوره‌ی رعد، آیه‌ی 19.
- 9- سوره‌ی ص، آیات 82 - 83.
- 10- سوره‌ی مجادله، آیه‌ی 19.

11- سوره‌ی نساء، آیات 118 - 121.

12- معاد در قرآن: ج:4/ص49-52

تبیان